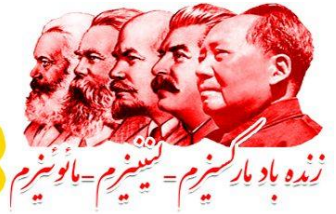




حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان Communist (Maoist) Party of Afghanistan (CMPA)

استراتژی مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشور عبارت است از استراتژی جنگ خلق. (اساسنامه مصوب سومین کنگره سراسری حزب)



به مناسبت گرامی داشت از جان باختگان جنبش مائوئیستی و جنبش دموکراتیک نوین افغانستان در هفتم قوس ۱۴۰۴ خورشیدی



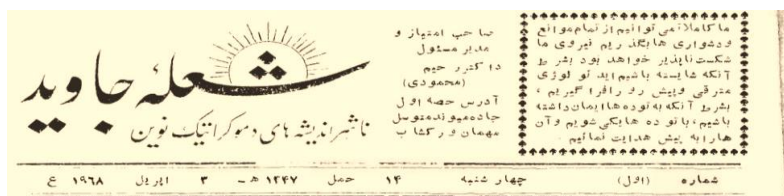
هفتم قوس ۱۴۰۴ خورشیدی، چهل و ششمین سالگرد روز جان باختگان جنبش مائوئیستی و جنبش دموکراتیک نوین افغانستان می باشد. چهل و شش سال قبل، رفیق زنده یاد اکرم یاری با جمعی از پیش گامان دیگر جنبش مائوئیستی و جنبش دموکراتیک نوین کشور به دستان ناپاک دژخیمان "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" جان باختند. رفیق زنده یاد اکرم یاری با جمعی دیگر پیش گامان جنبش مائوئیستی و جنبش دموکراتیک نوین افغانستان در تاریخ مبارزات بر حق طبقاتی و ملی مردمان کشور جاودانه شدند. روز هفتم قوس به عنوان روز جان باختگان جنبش مائوئیستی و جنبش دموکراتیک نوین کشور ثبت تاریخ کشور گردید، و هر سال ازین روز به عنوان روز جان باختگان جنبش مائوئیستی و جنبش دموکراتیک نوین کشور به طرق مختلف گرامی داشت به عمل آمده و می آید.

هفتم قوس در حافظه سیاسی جنبش پرولتری افغانستان، تنها یک روز یادبود نیست؛ این روز بیانگر استمرار تاریخی مبارزه طبقاتی، مقاومت ضد سلطه استبداد و پایداری نیروهای مائوئیست بر آرمان رهایی توده ها است. این تاریخ، سند زنده ایستادگی هزاران رفیقی است که در برابر ارتجاع داخلی، وابستگی خارجی و ساختارهای دیرپای ظلم و استثمار قد برافراشتند. مبارزات این رفقا در دهه چهل خورشیدی از لحاظ ایدئولوژیک - سیاسی جایگاه خاصی را به عنوان جنبش مائوئیستی کشور رقم زد.

جایگاه ایدئولوژیک جان باختگان در خط مبارزه پرولتری

جان باختگان جنبش مائوئیستی و جنبش دموکراتیک نوین افغانستان تحت رهبری رفیق اکرم یاری حاملان یک مسیر سیاسی بودند: آن ها نه تنها علیه نظام مستعمراتی - نیمه مستعمراتی و نیمه فئودالی و قدرت های امپریالیستی و نیروهای واپس گرای داخلی (اخوانی ها) مبارزه نمودند، بلکه علیه رویزونیسم مدرن خروشچف که ماهیت پرولتری حزب و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را دگرگون نموده بود به مبارزه برخاستند و ماهیت رویزونیستی شان را افشاء نمودند.

در سال ۱۹۵۵ میلادی (۱۳۳۴ خورشیدی) زمانی که خروشچف و بولگائین به افغانستان سفر نمودند، اولین گام اقتصادی از تمهیدات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود را در جهت وابسته سازی سلطنت ارتجاعی حاکم بر کشور و کل جامعه افغانستان به پیش برداشت و سپس آن را با گام های بعدی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ادامه داد. بر مبنای چنین تمهیداتی بود که در دهم جدی سال ۱۳۴۳ خورشیدی "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" بر پایه وابستگی عمیق و وسیع ایدئولوژیک - سیاسی به رویزونیسم مدرن خروشچفی و سوسیال امپریالیسم شوروی پایه گذاری گردید.



عده ای از انقلابیون کشور به پیش گامی رفیق زنده یاد اکرم یاری، در ۱۳ میزان سال ۱۳۴۴ خورشیدی "سازمان جوانان مترقی افغانستان" را به مثابه اولین سازمان کمونیستی افغانستان پایه گذاری نمودند. در سال ۱۳۴۷ خورشیدی،

"سازمان جوانان مترقی افغانستان" با هم کاری دو محفل دیگر، جریده "شعله جاوید" را به عنوان «ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین» منتشر نمود.

مدت زمان اندکی پس از آغاز انتشار جریده "شعله جاوید"، جریان دموکراتیک نوین به سرعت به یک جریان سیاسی انقلابی وسیع و سرتاسری کل کشور و مرکب از فرزندان صدیق تمامی ملیت‌ها و اقلیت‌های ملی در افغانستان مبدل گردید.

جنبش مائوئیستی و جنبش دموکراتیک نوین کشور، علی‌رغم تحمل اشتباهات، انحرافات و انشعابات متعدد در طول حیات مبارزاتی شان، بخش‌های مهمی از مبارزات و مقاومت‌های مسلحانه توده‌یی در جنگ مقاومت علیه اشغالگران سوسیال امپریالیست و دست‌نشانگان شان را در سطح کل کشور سازمان‌دهی و رهبری نمودند و تلفات وسیعی را در سطح رهبران، کادرها، صفوف و توده‌های رزمنده تحت رهبری شان متحمل گردیدند و بدین ترتیب به جنبش‌های سرتاپا خون چکان مبدل شد. هفتم قوس بیانگر آنست که رژیم کودتاگر هفت ثور یک رژیم فاشیست، مزدور و خون آشامی بیش نبوده است. روز هفتم قوس پیام آور آنست که جنبش مائوئیستی و جنبش دموکراتیک نوین کشور بیرقش را از درون دریای خون بلند نموده است.

جان‌باختگان جنبش مائوئیستی و جنبش دموکراتیک نوین کشور، نه قهرمانان فردی، بلکه کادرهای آگاه یک خط سیاسی - ایدئولوژیک مشخص بودند؛ خطی که وظیفه تاریخی خود را در سازمان‌دهی مقاومت، نقد تئوریک، و ایجاد بدیل انقلابی در افغانستان تعریف کرده بود.

گرامی‌داشت آنان به معنای احترام عاطفی نیست، بلکه پای‌بندی به ضرورت سازمان‌یافتگی پرولتری، استقلال ایدئولوژیک، و تداوم خط مبارزاتی جنبش کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی) در افغانستان است.

وضعیت کنونی افغانستان

افغانستان کنونی یک کشور مستعمره - نیمه‌فئودالی است. امپریالیزم امریکا بعد از توافقنامه دوحه نیروی نظامی خود را از کشور بیرون نمود، اما طبق "توافقنامه استراتژیک" و "توافقنامه امنیتی" و "اعلامیه وزارت دفاع امریکا با رژیم غنی" افغانستان را مانند دوران امپریالیزم انگلیس کنترل می‌نماید. افغانستان کنونی از لحاظ اقتصادی کاملاً وابسته و فاقد استقلال سیاسی است. امارت اسلامی افغانستان، با رفتار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود، زمینه بازتولید عقب‌ماندگی و وابستگی را تقویت کرده است. آن‌ها به صورت سازمان‌یافته زنان را از صحنه اجتماعی حذف نموده اند، و طبق احکام سنتی سیستم مردسالاری را تقویت نموده و آموزش و پرورش را تحت کنترل شدید قرار داده اند. این وضعیت پیش آمده ضرورت انسجام، سازمان‌دهی و پیش‌آهنگی نیروهای کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی) را دو چندان می‌سازد.

نقش زنان در مبارزات انقلابی :

در افغانستان امروز، زنان نخستین قربانیان ساختار قدرت‌اند و در عین حال بزرگ‌ترین نیروی بالقوه تحول اجتماعی محسوب می‌گردند. محرومیت آنان از آموزش، کار و حضور اجتماعی، نه یک مسئله حقوقی، بلکه جزئی از مکانیزم بازتولید نظام مستعمراتی - نیمه‌فئودالی است.

بدون حضور آگاهانه زنان، بدون مشارکت طبقاتی و سیاسی آنان، هیچ تفکر و اندیشه‌ریایی‌بخش واقعی امکان تحقق ندارد. بدون مشارکت فعال زنان هیچ انقلابی به پیروزی نمی‌رسد و جنبش زنان نیز بدون تئوری انقلابی تحت رهبری حزب پیشاهنگ طبقه کارگر، نیز به رهایی نخواهند رسید. زنجیرها را باید پاره کرد و خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در راه انقلاب رها ساخت. تجربه دهه‌های گذشته ثابت کرده است که مبارزه بدون سازمان‌دهی و بدون رهبری حزب پرولتری سرانجامی ندارد.

ضرورت اتحاد ایدئولوژیک - سیاسی نیروهای مترقی

در شرایطی که:

- استبداد داخلی عرصه فعالیت را مسدود کرده است،
 - قدرت‌های خارجی حاکمیت را در چنگال خود نگه داشته‌اند،
 - و پراکندگی در میان نیروهای مترقی ادامه دارد،
- اتحاد آگاهانه و ایدئولوژیک میان جنبش کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی)، نیروهای منسوب به جریان دموکراتیک نوین افغانستان یک ضرورت فوری و نیاز عاجل مبارزاتی است.

اعتقاد ما این است که طالبان با یک سازش با امپریالیزم اشغال گر امریکا برای بار دوم به قدرت بازگشتند، و افغانستان یک کشور مستعمره - نیمه فئودالی است. در چنین شرایطی مهم ترین وظیفه مبارزاتی که فرا روی ما قرار دارد کار و پیکار برای ایجاد هم آهنگی و اتحاد میان نیروها و شخصیت های انقلابی در داخل و خارج کشور است. هرگاه ما بتوانیم این وظیفه مبارزاتی خود را به طور شایسته انجام دهیم و مشترکاً در جهت مبارزه علیه امارت اسلامی افغانستان و حامیان اشغال گر شان گام برداریم، به جرأت می توان گفت که خواهیم توانست که یک مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی را علیه امارت اسلامی و حامیان امپریالیست شان راه اندازی نمائیم و در پیوند با توده های رزمنده کشور به پیش حرکت کنیم.

درین راستا باید تلاش نمود تا یاد و خاطره تابناک تاریخی جریان دموکراتیک نوین در دهه چهل خورشیدی را تازه نموده و تداوم آن را در حال حاضر به طور اصولی تأمین نمائیم. در هفتم قوس امسال، فراخوان ما این است:

روز تاریخی هفتم قوس را در نظر و عمل گرامی داشته و آن را تجلیل نمائیم، ما یقین کامل داریم که تجلیل و گرامی داشت از این روز تاریخی نیروها و شخصیت های انقلابی را وادار به عمل مشترک نموده و تیشه بر ریشه سکتاریزم می زند. ما امیدواریم که تمامی نیروها و شخصیت های انقلابی با درک نیاز عاجل مبارزاتی به تشتت و پراکندگی خاتمه داده و در عمل و نظر در جهت اتحاد و هم آهنگی میان تمامی نیروها و شخصیت های انقلابی کشور گام بردارند. هفتم قوس یادآور این حقیقت است که پیکار آگاهانه، سازمان یافته و علمی، محور اصلی پیش روی جنبش های مترقی و انقلابی افغانستان است.

گرامی باد هفتم قوس!

گرامی باد یاد جان باختگان جنبش مائوئیستی و جنبش دموکراتیک نوین افغانستان!

به پیش به سوی اتحاد اصولی و سازمان یافته نیروهای مترقی!

پیش به سوی برپایی و پیشبرد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

۷ قوس ۱۴۰۴ خورشیدی (۲۸ نوامبر ۲۰۲۵ میلادی)

www.cmpa.io

sholajawid@cmpa.io || sholajawid2@hotmail.com